

Typology of Quranic Patterns of Women's Organizational Governance and Its Application in the Islamic Republic of Iran

Seyed Sajjad Āle SeyedGhafour¹, Rashid Rekabian²

Abstract

The present study aims to typologize the Quranic patterns of women's organizational governance and to provide an operational framework for its application in the Islamic Republic of Iran. The main problem is the lack of a classified system of Quranic patterns for women's organizational role-playing and the absence of an indigenous model to enhance their strategic participation at various levels of governance. This research employs an inferential thematic interpretation method with a directed qualitative approach, analyzing the verses related to Quranic female figures and the conduct of the Infallibles (AS). Data were analyzed through three-level coding. Six main patterns were identified: intra-systemic resistance (Asiyah), independent cultural-spiritual leadership (Maryam), consultative governance (Bilqis), popular-familial networking (Moses' mother), social entrepreneurship (Shu'ayb's daughters), and civilizational entrepreneurship (Khadijah). Two anti-patterns (the wives of Noah and Lot) were analyzed to explain warning dimensions. The innovation of the research lies in an interpretive-applied reading of the verse of Qiwwamah, demonstrating that this verse not only does not conflict with women's governance patterns but also complements them. Each pattern is explained with structural features, operational mechanisms, behavioral mechanisms, and success indicators, and has the capacity to be integrated into an evolutionary path from micro to macro levels. The application of these patterns in the Islamic Republic of Iran, relying on legal capacities, the Fatimid and Zaynabi conduct, and the statements of the Supreme Leader, can pave the way for enhancing women's strategic participation, strengthening the discourse of the Iranian woman, and realizing the new Islamic civilization. This research is an effective step in theorizing women's role-playing in the Islamic governance system

Keywords: Quranic typology, organizational governance, patterns of women's role-playing, strategic participation, new Islamic civilization, Qiwwamah.

1. Corresponding author: Graduate of the third level of Qom Seminary, PhD in Political Science, and official researcher in the Quranic Interpretation Department of the Research Institute for Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran. aleghafoor@isca.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Political Science, Boroujerd University, Boroujerd, Iran. ra.rekabian@abru.ac.ir

گونه‌شناسی الگوهای قرآنی حکمرانی تشکیلاتی زنان و کاربست آن در نظام جمهوری اسلامی ایران

سید سجاد آل سید غفور^۱، رشید رکابیان^۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲

چکیده

مسئله اصلی این پژوهش، نبود نظام طبقه‌بندی‌شده از الگوهای نقش‌آفرینی تشکیلاتی زنان در قرآن و نبود الگوی بومی برای افزایش مشارکت راهبردی ایشان در سطوح گوناگون حکمرانی است. هدف پژوهش گونه‌شناسی الگوهای قرآنی حکمرانی تشکیلاتی زنان و ارائه چارچوبی عملیاتی برای کاربست آن در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این پژوهش با روش تفسیر موضوعی استنباطی و رویکرد کیفی جهت‌دار، آیات مرتبط با شخصیت‌های زن قرآنی و سیره معصومین را تحلیل کرده است. داده‌ها با شناسه‌گذاری سه‌سطحی تحلیل شده است. شش الگوی اصلی شناسایی شد: مقاومت درون‌نظامی (آسیه)، رهبری مستقل فرهنگی - روحانی (مریم)، حکمرانی شورایی (بلقیس)، شبکه‌سازی مردمی - خانوادگی (مادر موسی)، کارآفرینی اجتماعی (دختران شعیب) و کارآفرینی تمدنی (خدیجه). دو ضد الگو (همسران نوح و لوط) نیز برای تبیین ابعاد هشداردهنده تحلیل شده است. نوآوری پژوهش در خوانش تفسیری - کاربردی از آیه قوامیت است که نشان می‌دهد این آیه نه تنها با الگوهای حکمرانی زنان در تعارض نیست، بلکه مکمل این الگوها است. هر الگو با ویژگی‌های ساختاری، سازوکارهای عملیاتی، سازوکارهای رفتاری و شاخص‌های موفقیت تبیین شده است و امکان تلفیق در مسیری تکاملی از خرد تا کلان را دارد. کاربست این الگوها در جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر ظرفیت‌های قانونی، سیره فاطمی و زینبی و بیانات رهبری، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای مشارکت راهبردی زنان، تقویت گفتمان زن ایرانی و تحقق تمدن نوین اسلامی باشد. این پژوهش گامی مؤثر در نظریه‌پردازی نقش‌آفرینی زنان در نظام حکمرانی اسلامی است.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی قرآنی، حکمرانی تشکیلاتی، الگوهای نقش‌آفرینی زنان، مشارکت راهبردی، تمدن نوین اسلامی، قوامیت.

۱. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، دکتری علوم سیاسی و محقق رسمی گروه تفسیر قرآن

aleghafoor@isca.ac.ir

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

ra.recabian@abru.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بروجرد، بروجرد، ایران

۱. مقدمه

مفهوم نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و حکمرانی به یکی از محورهای گفتمان‌های توسعه تبدیل شده است، اما بیشتر این گفتمان‌ها در چارچوب الگوهای لیبرال و سکولار غربی تعریف می‌شود و بازخوانی الگوهای بومی و دینی مغفول مانده است. در جمهوری اسلامی ایران که مدعی ارائه الگویی مبتنی بر اسلام ناب است، ضرورت طراحی الگوهای اصیل و کارآمد برای نقش‌آفرینی زنان در حکمرانی، انکارناپذیر است. این ضرورت با جنگ ترکیبی فرهنگی، نبرد گفتمانی با غرب و کاهش مشارکت سیاسی زنان، دوچندان شده است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۴، نرخ مشارکت اقتصادی زنان تنها ۱۴.۴ درصد است که در مقایسه با میانگین جهانی (۴۷٪) و کشورهای اسلامی چون ترکیه (۳۵٪) و مالزی (۵۴٪) فاصله زیادی دارد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴: ۱۲). سهم زنان در مناصب مدیریتی دولتی نیز حدود ۱۰ درصد است که در سطوح معاونان وزیران و استانداران به کمتر از پنج درصد می‌رسد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲: ۴۵). هرچند در دولت چهاردهم اقداماتی مانند انتصاب بیش از ۲۷۰۰ بانوی مدیر و حضور ۱۲ درصدی زنان در مدیرعاملی شرکت‌های دانش‌بنیان انجام شده، اما تا مشارکت راهبردی در سطوح عالی حکمرانی فاصله معناداری باقی است (روزنامه شهرآرا، ۱۴۰۴). قرآن کریم افزون بر حضور فردی و اخلاقی زنان، به نقش ساختاری و تشکیلاتی آنان نیز توجه دارد. با این حال، پژوهش‌ها بیشتر بر جنبه‌های فردی متمرکز است و خوانش حکمرانانه و راهبردی از شخصیت‌های زن قرآنی کمتر صورت گرفته است. پژوهش‌های بین‌المللی نیز بیشتر سه شخصیت (آسیه، بلقیس، مریم) را بررسی کرده‌اند (Matching leadership qualities, 2023). این خلأ، مسئله اصلی مقاله را شکل می‌دهد: گونه‌شناسی الگوهای قرآنی حکمرانی تشکیلاتی زنان چیست و چگونه می‌توان در نظام جمهوری اسلامی ایران کاربست آن را اجرایی کرد؛ همچنین چگونه می‌توان ضد الگوهای قرآنی را برای پیشگیری از انحرافات حکمرانی بازتفسیر کرد؟

پرسش اصلی: گونه‌شناسی الگوهای قرآنی حکمرانی تشکیلاتی زنان و کاربست آن در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟

پرسش‌های فرعی:

- الگوها و ضد الگوهای قرآنی نقش‌آفرینی تشکیلاتی زنان بر اساس چه مؤلفه‌هایی (ساختاری، رفتاری و شاخص‌های سنجش) قابل گونه‌شناسی است؟

- این الگوها چه نسبتی با یکدیگر دارند و چگونه می‌توان آن‌ها را در مسیری تکاملی از سطح خرد تا تمدن تلفیق کرد؟

- پیامدهای نظری و عملی کاربست این گونه‌شناسی در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست و چه ملزومات اجرایی دارد؟

فرضیه پژوهش

قرآن با گونه‌شناسی شش الگو از شخصیت‌های زن (آسیه، مریم، بلقیس، یوکابد (مادر موسی)، دختران شعیب و خدیجه) و دو ضد الگو (همسران نوح و لوط)، چارچوبی جامع و چندسطحی (از خرد تا کلان) برای نقش‌آفرینی تشکیلاتی زنان ارائه می‌کند. این الگوها نه تنها جدا نیستند، بلکه امکان تلفیق در مسیری تکاملی دارند و با هشدارهای ضد الگوها، سازوکارهای پیشگیری از انحراف را ترسیم می‌کنند. سیره فاطمی و زینبی به عنوان مکمل، این گونه‌شناسی را در بستر جمهوری اسلامی ایران عملیاتی‌تر ساخته است و می‌تواند با شاخص‌های کمی و کیفی، نقشه راهی برای افزایش مشارکت سیاسی و مدیریتی زنان ارائه کند.

۲. پیشینه شناسی

مطالعات پیشین را می‌توان در شش دسته ذیل طبقه‌بندی کرد.

۱. تفاسیر کلاسیک (مانند المیزان و نمونه) که بر ابعاد اخلاقی و فردی شخصیت‌های زن تأکید دارند و به خوانش تشکیلاتی و شبکه‌ای نپرداخته‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۲۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۱۴۰). این تفاسیر، گرچه از غنای تفسیری مطلوبی برخوردار هستند، اما بیشتر شخصیت‌های زن قرآنی را در چارچوب فضایل فردی و اخلاقی تحلیل کرده، و به ابعاد حکمرانی و نقش‌آفرینی ساختاری آن‌ها نپرداخته‌اند.

۲. مطالعات فمینیستی اسلامی (مانند مرنیسی، ۱۳۸۰ و بختیار، ۱۳۹۹) که به مبانی حقوقی و برابری جنسیتی پرداخته، اما الگوی حکمرانی تشکیلاتی ارائه نکرده‌اند (مرنیسی، ۱۳۸۰: ۱۲۵؛ بختیار، ۱۳۹۹: ۸۰). این دسته، هرچند در نقد نگاه‌های سنتی به زنان گام برداشته‌اند، اما بیشتر در چارچوب گفتمان حقوقی - غربی حرکت کرده، و از استخراج الگوهای عملیاتی مبتنی بر متون دینی غفلت کرده‌اند.

۳. آثار اسلامی معاصر (مانند شهید مطهری، ۱۳۸۰) که در پاسخ به شبهات فمینیستی، پایه‌های نظری حقوق زن را محکم کرده، اما به طراحی الگوهای عملیاتی برای عرصه عمومی نپرداخته است.

(مطهری، ۱۳۸۰: ۳۰۲). این آثار، هرچند در تبیین جایگاه زن در نظام ارزشی اسلام مؤثر بوده‌اند، اما بیشتر به سطح کلان نظریه‌پردازی محدود شده، و از ارائه الگوهای اجرایی و تشکیلاتی برای حضور زنان در عرصه‌های حکمرانی باز مانده‌اند.

۴. مطالعات تمدنی و سیره‌ای که یا در سطح کلان باقی مانده (پیروزمند و صادقی، ۱۴۰۲)، یا بر جنبه‌های عبادی - اخلاقی متمرکز بوده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق) و به گونه‌شناسی خرد از الگوهای قرآنی نرسیده‌اند. رویکرد تمدنی در این پژوهش‌ها، بیشتر نگاه‌های کلی و راهبردی دارد و کمتر به استخراج الگوهای عملی و قابل تعمیم برای نقش‌آفرینی زنان در سطوح گوناگون حکمرانی پرداخته است.

۵. مطالعات بین‌المللی بیشتر سه شخصیت (آسیه، بلقیس، مریم) را بررسی کرده‌اند و بر تطابق ویژگی‌های رهبری با نظریه‌های مدیریتی معاصر متمرکز بوده‌اند (Matching leadership, A Study of Women's Competence, 2021 qualities, 2023; هرچند این مطالعات به جنبه‌های مدیریتی شخصیت‌های زن قرآنی پرداخته‌اند، اما از خوانش شبکه‌ای، تشکیلاتی و تمدنی آن‌ها غافل بوده، و به ضد الگوهای قرآنی به‌عنوان هشدارهای راهبردی توجه نکرده‌اند.

۶. مطالعات فصلنامه حکمرانی متعالی که به‌طور خاص به الگوهای بومی حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. کریمی‌پور (۱۴۰۲) در بررسی حکمرانی متعالی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر ضرورت بازتعریف الگوهای بومی حکمرانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی تأکید کرده است (کریمی‌پور، ۱۴۰۲: ۱۰۵)؛ همچنین زارعی (۱۴۰۰) در الگوی حکمرانی متعالی برای ارتقای اقتدار ملی، بر لزوم بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی و دینی در طراحی الگوهای حکمرانی تأکید داشته است (زارعی، ۱۴۰۰). افزون بر این، مقاله «نقش زن و خانواده در حکمرانی متعالی» (۱۴۰۳) به‌طور مستقیم به جایگاه زنان در این الگو پرداخته است، هرچند رویکرد آن بیشتر هنجاری و کلان است و به گونه‌شناسی عملیاتی از الگوهای نقش‌آفرینی زنان در سطوح خرد و میانی نپرداخته است. هرچند این مطالعات به‌طور ویژه به نقش‌آفرینی تشکیلاتی زنان نپرداخته‌اند، اما چارچوب نظری آن‌ها برای فهم جایگاه زنان در نظام حکمرانی اسلامی سودمند است.

جمع‌بندی و خلاّ پژوهشی: آنچه در همه این دسته‌ها مغفول است، خوانش شبکه‌ای، تشکیلاتی و حکمرانانه از شخصیت‌های زن قرآنی در کنار ضد الگوها است. تفاسیر کلاسیک بر فردگرایی اخلاقی، مطالعات فمینیستی بر برابری حقوقی، آثار اسلامی بر مبانی نظری، مطالعات تمدنی بر سطح

کلان، پژوهش‌های بین‌المللی بر تطابق با نظریه‌های غربی و حتی مطالعات فصلنامه حکمرانی متعالی بر الگوهای عمومی حکمرانی متمرکز بوده‌اند و هیچ‌یک به استخراج منظومه‌ای از الگوهای عملیاتی، چندسطحی و قابل تلفیق برای نقش‌آفرینی تشکیلاتی زنان در سطوح گوناگون حکمرانی نپرداخته‌اند. این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ، به استخراج گونه‌شناسی نظام‌مند از الگوهای قرآنی (شش الگوی مثبت و دو ضد الگو) با رویکرد تفسیری - کاربردی و ارائه چارچوبی عملیاتی برای کاربست آن در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

۳. مفهوم‌شناسی

حکمرانی

حکمرانی در ادبیات علمی معاصر، مفهومی چندبعدی است که به تعامل میان دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی می‌پردازد (جهانگیری و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۵)، اما در اندیشه اسلامی، حکمرانی «مجموعه‌ای پیچیده از فرایندها، کارکردها، ساختارها، هنجارها، قوانین و قواعدی است که از رابطه میان فردی، تعاملات اجتماعی و مناسبات نهادی در جامعه اسلامی پدید می‌آید و در آن قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران» انجام می‌شود (خسروپناه، ۱۴۰۲: ۱۲). آنچه الگوی حکمرانی در اسلام را از تعاریف متداول متمایز می‌سازد، پیوند آن با «مکتبی جامع و پویا» است که الگویی کامل برای اداره جوامع انسانی ارائه می‌دهد (خسروپناه، ۱۴۰۲: ۱۵)؛ همچنین در کتاب «الگوی برای حکمرانی اسلامی» بر مؤلفه‌هایی چون عدالت اجتماعی، مشارکت آگاهانه مردمی و التزام به ارزش‌های اخلاقی - معنوی تأکید شده است (پیروزمند و صادقی، ۱۴۰۲: ۴۵).

حکمرانی تشکیلاتی

حکمرانی تشکیلاتی به بعد ساختاری، شبکه‌ای و سازمان‌یافته حکمرانی اشاره می‌کند و از اصطلاح «کار تشکیلاتی» در ادبیات انقلاب اسلامی گرفته شده است (زارعی، ۱۴۰۳: ۱۵). این مفهوم شامل ساختارهای رسمی و غیر رسمی، فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرا، روابط متقابل و هماهنگی و فرهنگ و هنجارهای سازمانی است (زارعی، ۱۴۰۳: ۱۸). در این پژوهش، حکمرانی تشکیلاتی زنان به معنای نقش‌آفرینی سازمان‌یافته، شبکه‌ای و نهادی آن‌ها در عرصه‌های گوناگون سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع است که در قالب الگوهای ساختاری و رفتاری مشخص تجلی می‌یابد.

الگوی قرآنی

الگوی قرآنی به نمونه و سرمشق رفتاری، ساختاری و ارزشی اطلاق می‌شود که از آیات قرآن و داستان‌های شخصیت‌های قرآنی استخراج می‌شود و امکان تعمیم و کاربست در شرایط گوناگون را دارد (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۵). در این پژوهش، الگوی قرآنی به‌عنوان چارچوبی رفتاری، ساختاری و ارزشی مبتنی بر آیات قرآن و سیره معصومین (ع) تعریف می‌شود که دارای ویژگی‌های ساختاری، سازوکارهای عملیاتی، سازوکارهای رفتاری و شاخص‌های سنجش موفقیت است و می‌تواند به‌عنوان سرمشقی برای کنشگران در عرصه‌های گوناگون حکمرانی مورد استفاده قرار گیرد.

گونه‌شناسی

گونه‌شناسی روشی نظام‌مند برای طبقه‌بندی پدیده‌ها بر اساس ویژگی‌ها و معیارهای مشترک و متمایز است (کرایپندورف، ۱۳۸۹: ۸۹). در این پژوهش، گونه‌شناسی الگوهای قرآنی بر اساس چهار معیار اصلی انجام شده است: عرصه نقش‌آفرینی (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی)، سطح حکمرانی (خرد، میانی، کلان، تمدنی)، نوع رویارویی با قدرت (درون‌نظامی، برون‌نظامی، تعاملی، مشارکتی) و منبع اصلی قدرت (موقعیت رسمی، تأیید الهی، عقل جمعی، سرمایه عاطفی، توانمندی اقتصادی، بینش تمدنی).

نقش‌آفرینی زنان

نقش‌آفرینی زنان به‌معنای حضور فعال، مؤثر و هدفمند آنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که فراتر از نقش‌های سنتی، به مشارکت در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت در سطوح گوناگون حکمرانی اشاره می‌کند (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۰۲). قرآن با معرفی شخصیت‌هایی چون آسیه، مریم، بلقیس، مادر موسی، دختران شعیب و خدیجه، ابعاد گوناگون نقش‌آفرینی زنان را به نمایش گذاشته است (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۲۱۸). این پژوهش، نقش‌آفرینی تشکیلاتی زنان را به‌عنوان «حضور هدفمند، شبکه‌ای و نهادی زنان در فرایندهای حکمرانی با بهره‌گیری از الگوهای قرآنی و سیره معصومین (ع)» تعریف می‌کند که با حفظ کرامت انسانی، حریم‌های شرعی و ارزش‌های اسلامی، به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و تمدنی می‌پردازد.

جمع‌بندی مفهوم‌شناسی: مفهوم‌شناسی این پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی رویکردی توحیدی، اخلاقی و عدالت‌محور دارد و حکمرانی تشکیلاتی بر بعد ساختاری و شبکه‌ای آن تأکید می‌کند. الگوهای قرآنی سرمشقهایی عملیاتی با ویژگی‌های ساختاری، رفتاری و شاخص‌های سنجش هستند که با روش گونه‌شناسی بر اساس معیارهای چهارگانه قابل طبقه‌بندی است.

نقش‌آفرینی تشکیلاتی زنان نیز به معنای حضور هدفمند و شبکه‌ای آنان در فرایندهای حکمرانی با بهره‌گیری از الگوهای قرآنی و سیره معصومین(ع) است.

۴. چارچوب نظری: قرائت تفسیری - کاربردی از آیات به ظاهر محدودکننده

پیش از گونه‌شناسی الگوهای حکمرانی زنان، مواجهه با آیه ۳۴ سوره نساء (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) ضروری است تا پژوهش از اتهام گزینش‌گری تفسیری مصون بماند. هدف، ارائه چارچوبی است که نشان دهد قرآن نه تنها با نقش‌آفرینی تشکیلاتی زنان مخالفتی ندارد، بلکه آن را تأیید می‌کند. برای تبیین این چارچوب، ابتدا باید به مبانی حکمرانی در اندیشه اسلامی اشاره کرد.

در این راستا، اثر ارزشمند «حکمت و فقه حکمرانی»، تألیف عبدالحسین خسروپناه در موضوع حکمرانی اسلامی، به بررسی چیستی حکمرانی، نظریات حکمرانی در غرب و معرفی سبک‌های گوناگون آن پرداخته است و مبانی و اهداف حکمرانی را بر اساس منابع دینی تبیین می‌کند؛ همچنین کتاب «الگوی برای حکمرانی اسلامی در عصر حاضر» که بر اساس بیانات تفسیری مقام معظم رهبری^(ره) بر نهج البلاغه تدوین شده است، با ارائه نمونه‌های عینی از سیاست‌گذاری علوی، الگوی جامع و کارآمد از حکمرانی اسلامی ترسیم می‌کند که در تضاد با الگوهای سکولار و انسان‌محور غربی است. این منابع، پایه‌های نظری مستحکمی را برای فهم جایگاه زنان در نظام حکمرانی اسلامی فراهم می‌آورد.

۱. واکاوی مفهومی قوامیت در آیه ۳۴ سوره نساء

قَوَّامُونَ به معنای سرپرستان است. علامه طباطبایی در المیزان، قوامیت را سرپرستی و مدیریت خانواده مبتنی بر تفضیل الهی و انفاق مالی می‌داند و تأکید می‌کند که این سرپرستی، برتری ذاتی یا استبداد نیست، بلکه مسئولیتی در چارچوب عدالت است (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۵۳۱). آیت‌الله جوادی آملی در تسنیم، با جداسازی قَوَّامُونَ از حاکمون، بر جنبه خدمت‌رسانی آن تأکید می‌کند و آن را ولایت تشریعی در خانواده می‌خواند، نه ولایت تکوینی برتر (جوادی آملی، ج ۸: ۲۴۵). پژوهش‌های معاصر نیز قوامیت را مسئولیتی کارکردی و مبتنی بر بافت اجتماعی می‌دانند، نه سلطه‌گری دائمی (Nasruddin et al.; 2026, 112-124; Masruroh et al., 2026, 1-20).

۲. از قوامیت خانوادگی تا حکمرانی اجتماعی؛ جداسازی دو عرصه

نکته کلیدی، جداسازی عرصه خانواده از حکمرانی عمومی است. قرآن در آیات متعدد، زنان را کنشگرانی فعال در عرصه اجتماعی معرفی کرده است: بلقیس حاکمی با مشورت، مریم رهبری معنوی بدون پشتوانه مردانه، و آسیه کنشگری سیاسی - ایدئولوژیک در دل طاغوت (تحریم، ۱۱)؛ بنابراین، قوامیت مردان، «حکم خانوادگی» است و نه اصل حکمرانی؛ این جداسازی، امکان کاربست الگوهای قرآنی را در نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد. این رویکرد با تأکید کتاب «الگوی برای حکمرانی اسلامی در عصر حاضر» بر عدالت اجتماعی و مشارکت آگاهانه مردمی و همچنین با دیدگاه «حکمت و فقه حکمرانی» در تبیین مبانی حکمرانی بر اساس منابع دینی، هماهنگی کامل دارد.

۳. دیدگاه رهبر شهید آیت‌الله خامنه‌ای؛ تلفیق نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان

رهبر شهید انقلاب اسلامی بر تلفیق نقش‌های خانوادگی و اجتماعی زنان تأکید دارند و حضرت فاطمه زهرا(س) را الگوی کامل در خانواده، سیاست و اجتماع معرفی می‌کنند. ایشان با اشاره به بیانات امام خمینی^(ره) تصریح کرده‌اند که «دخالت در سیاست و در مقدرات اساسی کشور وظیفه زنان و تکلیف زنان است» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲). از این دیدگاه، مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان نه تنها ممنوع نیست، بلکه وظیفه شرعی و انقلابی تلقی می‌شود و حضور آنان در حکمرانی، خود مصداق تحقق ارزش‌های اسلامی است. این نگاه، دقیقاً در راستای الگویی است که در کتاب «الگوی برای حکمرانی اسلامی در عصر حاضر» بر اساس سیره علوی ترسیم شده است.

۴. مکتب فاطمی و زینبی؛ مکمل الگوهای قرآنی در نظام جمهوری اسلامی ایران

برای عملیاتی‌سازی این الگوها در ایران، سیره اهل بیت(ع) مکملی حیاتی است. حضرت فاطمه(س) با خطبه فدکیه، الگوی «مقاومت درون‌نظامی» (آسیه) را در نفوذ به ساختار قدرت و افشای باطل به نمایش گذاشت (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۵۰). حضرت زینب(س) در واقعه کربلا، با خطبه‌های آتشین، شبکه‌ای از آگاهی‌بخشی ایجاد کرد که تلفیقی از رهبری مستقل (مریم) و شبکه‌سازی مردمی (مادر موسی) در بحران است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۵: ۱۲۰). این سیره، به‌ویژه برای پاسخ به چالش «تعارض نقش خانوادگی و مدیریت کلان» در نهادهای حوزوی و فقهی، الگویی عینی و عملیاتی ارائه می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲؛ مطهری، ۱۳۸۰: ۳۰۲) و می‌تواند به‌عنوان

یکی از مصداق‌های عینی حکمرانی مبتنی بر حکمت و فقه مورد توجه قرار گیرد که در کتاب «حکمت و فقه حکمرانی» به آن اشاره شده است.

۵. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش تفسیر موضوعی استنباطی و رویکرد کیفی جهت‌دار انجام شده است. در این روش، آیات مرتبط با حکمرانی زنان گردآوری و با تعیین دسته‌بندی‌های اولیه (مقاومت، رهبری، شبکه‌سازی) تحلیل شده است و با داده‌های فرعی غنی‌سازی می‌شود (کرایپندورف، ۱۳۸۹: ۸۹). داده‌ها از تحلیل محتوای آیات سوره‌های قصص، مریم، نمل و تحریم و منابع سیره (بحارالانوار و تاریخ طبری) استخراج شده است. برای کاربست عملی، از مطالعات موردی (بنت‌الهدی صدر، بانو امین) و آمارهای رسمی (مرکز آمار ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس) استفاده شده و از تکنیک بازتحلیل ثانویه برای تعمیق بهره گرفته شده است. حجم نمونه، بیش از ۱۰۰ آیه را شامل می‌شود. شناسه‌گذاری در سه سطح (باز، محوری، انتخابی) و تحلیل مقایسه‌ای میان الگوها و ضد الگوها انجام شده است. اعتبار یافته‌ها از راه بررسی هم‌تا و تطبیق با تفاسیر معتبر تأمین شده است.

۶. یافته‌ها: گونه‌شناسی الگوهای حکمرانی تشکیلاتی زنان در قرآن

این پژوهش با واکاوی آیات قرآن کریم و بهره‌گیری از روش تفسیر موضوعی استنباطی، موفق به شناسایی شش الگوی متمایز و در عین حال مرتبط با حکمرانی تشکیلاتی زنان شده است. این الگوها که از تحلیل داستان‌های قرآنی و سیره پیامبران استخراج شده است، نه تنها منحصر به گذشته نیست، بلکه به عنوان نقشه راه و سرمشق‌هایی کارآمد برای نقش‌آفرینی زنان مسلمان در عرصه‌های گوناگون حکمرانی در جهان معاصر امکان تطبیق و اجرا دارد. هر یک از این الگوها دارای ویژگی‌های ساختاری، سازوکارهای عملیاتی، سازوکارهای رفتاری و شاخص‌های سنجش موفقیت (شامل سنجه‌های کمی و کیفی) هستند. در کنار این الگوها، دو ضد الگو (همسر نوح و همسر لوط) نیز تحلیل شده است تا ابعاد هشداردهنده قرآن در زمینه خیانت ایدئولوژیک و انحراف اجتماعی تبیین شود.

به منظور ارائه تصویری کلی از گونه‌شناسی، پیش از ورود به جزئیات، جدول شماره ۱ خلاصه‌ای از الگوهای شش‌گانه را به همراه شخصیت محوری، عرصه نقش‌آفرینی، سطح حکمرانی و آیه کلیدی هر یک ارائه می‌دهد.

جدول ۱. خلاصه گونه‌شناسی الگوهای حکمرانی تشکیلاتی زنان در قرآن

ردیف	الگو	شخصیت محوری	عرصه نقش‌آفرینی	سطح حکمرانی	آیه کلیدی
۱	مقاومت درون‌نظامی	آسیه	سیاسی - ایدئولوژیک	کلان	تحریم (۶۶): ۱۱
۲	رهبری مستقل فرهنگی - روحانی	مریم	فرهنگی - معنوی	میانی تا کلان	مریم (۱۹): ۳۴-۱۶
۳	حکمرانی شورایی	بلقیس	سیاسی - دیپلماتیک	کلان	نمل (۲۷): ۳۲
۴	شبکه‌سازی مردمی - خانوادگی	مادر موسی	اجتماعی - خانوادگی	خرد تا میانی	قصص (۲۸): ۷-۱۳
۵	کارآفرینی اجتماعی	دختران شعیب	اقتصادی - محلی	خرد تا میانی	قصص (۲۸): ۲۳-۲۸
۶	کارآفرینی تمدنی	خدیجه	اقتصادی - تمدنی	کلان	سیره نبوی

الگوی اول: مقاومت درون‌نظامی (آسیه)

الگوی نخست، مقاومت درون‌نظامی با شخصیت محوری آسیه همسر فرعون، نماد حضور هوشمندانه، مقاومت ایدئولوژیک و ایثار پنهان در دل نظام طاغوت و ستمگر است. آسیه نه تنها در قصر فرعون زیست، بلکه قلب نظام را به پایگاه نجات پیامبر تبدیل کرد. او با بهره‌گیری از موقعیت راهبردی ملکه، از امکانات، منابع و نفوذ نظام برای حفاظت از موسی (ع) استفاده کرد که تهدیدی وجودی برای فرعون بود. سرانجام، با اعلام برائت آشکار از فرعون و نظام فاسد او، وفاداری خود را تنها به خداوند اعلام کرد. قرآن در سوره تحریم آیه ۱۱ می‌فرماید: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

در تفسیر موضوعی استنباطی، این آیه نه تنها روایتی تاریخی، بلکه نقشه عملیاتی مقاومت تشکیلاتی در ساختار قدرت است: حضور در دل دشمن، تغییر کارکرد منابع و خروج آگاهانه با شهادت (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۲۱۸).

ویژگی‌های ساختاری: آسیه از چهار لایه ساختاری بهره برد: ۱. موقعیت رسمی در ساختار قدرت (دسترسی به تصمیم‌گیران، اطلاعات محرمانه و دستورات اجرایی) ۲. دسترسی به منابع مادی و انسانی (کاخ، خدمتکاران، محافظ و بودجه) که همگی به ابزار نجات تبدیل شدند. ۳. قرارگیری در کانون بحران به عنوان همسر فرعون (نزدیک‌ترین فرد به تهدید و تهدیدکننده) ۴. پوشش اجتماعی

مطلوب (در ظاهر هماهنگ با نظام که سوء ظن را کاهش، و دامنه عمل را افزایش می‌داد.) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۱۴۰).

سازوکارهای عملیاتی: این الگو در شش مرحله اجرا شد: ۱. نفوذ هدفمند به ساختار قدرت ۲. استفاده هدفمند از منابع نظام برای اهداف متعالی ۳. مقاومت غیر مستقیم و چندلایه (پرهیز از رویارویی زودهنگام) ۴. شبکه‌سازی مخفیانه و سلسله‌مراتبی (ایجاد حلقه‌های اعتماد) ۵. حفظ ظاهر هماهنگ (تقیه راهبردی، نه اعتقادی) ۶. خروج آگاهانه با شهادت یا برکناری که شکست ظاهری را به پیروزی راهبردی تبدیل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۳۴۵).

سازوکارهای رفتاری: هشت مؤلفه روان‌شناختی - اخلاقی در رفتار آسیب‌مشهود است: خطرپذیری حساب‌شده، صبوری راهبردی، زبان نمادین و چندمعنایی، هوش عاطفی مطلوب، مدیریت ترس و اضطراب، وفاداری مطلق به هدف، خودآگاهی سیاسی - اخلاقی و تبدیل تهدید به فرصت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۱۷۰).

شاخص‌های سنجش موفقیت: از دید کمی، نرخ موفقیت در نجات افراد کامل بود (موسی نجات یافت) و طول عمر عملیاتی شبکه تا شهادت آسیب‌آدانه داشت. از دید کیفی، حفظ هویت ایدئولوژیک (سازش نکردن با نظام)، تأثیرگذاری بر گفتمان درونی (تغییر نگاه خدمتکاران) و شهادت به‌عنوان پیروزی راهبردی برجسته است. موفقیت در این الگو تنها به کمیت و تعداد افراد وابسته نیست، بلکه کیفیت تأثیرگذاری و دوام شبکه از اهمیت زیادی برخوردار است.

مطالعه موردی معاصر: شهیده بنت‌الهدی صدر (آمنه صدر، ۱۳۵۷-۱۴۰۰ق) در عراق دوران حزب بعث، نمونه‌ای زنده از این الگو است. او از جایگاه خانوادگی (خواهر آیت‌الله محمدباقر صدر) برای دسترسی به زنان، مساجد و مدارس استفاده کرد و شبکه‌ای شامل مدارس مخفی دخترانه، حلقه‌های قرآنی و شبکه‌های انتشار کتاب‌های دینی ایجاد کرد (صدر، ۱۳۸۰: ۴۵). مقاومت او غیر مستقیم و در قالب آموزش ایدئولوژی مقاومت انجام می‌شد. بیش از ۳۰۰۰ زن و دختر تحت آموزش مستقیم او بودند و فعالیتش ۱۵ سال (۱۹۶۰-۱۹۷۵م) طول کشید. شهادت او به نماد مقاومت زنان شیعه تبدیل شد و الگوی آموزش پنهان در سوریه، لبنان و ایران پس از انقلاب تقلید شد (صدر، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

الگوی دوم: رهبری مستقل فرهنگی - روحانی (مریم)

الگوی دوم، رهبری مستقل فرهنگی - روحانی با شخصیت مریم ترسیم شده است. مریم نمونه بی‌نظیری از یک رهبر زن است که مشروعیت، اقتدار و نفوذ خود را نه از نهادهای دینی متحجر

زمانه، نه از تأیید مردان قوم، بلکه مستقیماً از الطاف، انتخاب و تأیید الهی دریافت می‌کند. قرآن در سوره مریم آیات ۱۶ تا ۳۴، داستان او را به تفصیل بیان می‌کند: او در تنهایی کامل، بدون پشتوانه اجتماعی، در برابر اتهامات سنگین، تهمت‌های اخلاقی و فشارهای فرهنگی ایستاد و با تولد عیسی (ع) بدون پدر، نه تنها خود را تبرئه، بلکه الگویی جاودانه از رهبری معنوی زنانه ارائه کرد (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۴: ۲۲).

ویژگی‌های ساختاری: مریم در سه لایه مستقل عمل کرد: ۱. استقلال مالی و معنوی از راه زندگی در محراب با روزی مستقیم از آسمان (آل عمران، ۳۷) ۲. تربیت در محیطی مقدس و دور از آلودگی‌های اجتماعی (محراب به عنوان پایگاه معنوی و فکری) ۳. فاصله‌گیری آگاهانه از نهادهای دینی متحجر زمانه که زنان را به حاشیه رانده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۳۲).

سازوکارهای عملیاتی: این الگو در پنج مرحله کلیدی اجرا شد: ۱. تأسیس نهادهای مستقل فرهنگی - مذهبی (زندگی در محراب) ۲. تربیت نسل آینده (پرورش عیسی به عنوان پیامبر) ۳. مدیریت بحران‌های هویتی (رویاری با اتهامات) ۴. ارائه الگوی عملی برای جامعه (زندگی زاهدانه، پاکدامنی و عبادت) ۵. عبادت به عنوان منبع قدرت پایدار (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۲۷۰).

سازوکارهای رفتاری: مریم با شش رفتار کلیدی، الگویی از رهبری معنوی ارائه کرد: ۱. سکوت راهبردی در برابر اتهامات (اشاره به نوزاد) (مریم، ۲۹-۳۰) ۲. توکل فعال و پویا ۳. پاسخگویی تنها در پیشگاه خداوند ۴. صبر در برابر طوفان اجتماعی ۵. مدیریت بحران با ایمان ۶. تبدیل انزوا به قدرت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۴۵).

شاخص‌های سنجش موفقیت: از دید کیفی، خلق الگوی هویتی جدید و ماندگار (مریم به عنوان نماد پاکدامنی در سه دین ابراهیمی)، تربیت نسلی که خود تبدیل به پیامبر می‌شود (عیسی و جریان مسیحیت) و تثبیت سبک زندگی معنوی زنانه. از دید کمی، گستره تأثیرگذاری فرهنگی در طول تاریخ که شامل میلیاردها نفر در طی بیست قرن می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴: ۱۸).

مطالعه موردی معاصر: بانو امین (سیده نصرت امین، ۱۳۶۵ - ۱۳۶۲ش) در اصفهان، نمونه زنده این الگو است. او بدون وابستگی به نهادهای رسمی حوزوی سنتی و بدون پشتوانه مالی دولتی، با اتکا به دانش، معنویت و اراده شخصی، به درجه اجتهاد رسید، مدرسه علمیه بانوان تأسیس کرد و نسل بزرگی از زنان عالمه را تربیت کرد (امین، ۱۳۷۵: ۵). او با سکوت راهبردی در برابر انتقادات، توکل فعال در تحصیل و تدریس و عبادت شبانه به عنوان منبع قدرت رفتار کرد. تأثیر او فراتر از

اصفهان رفت و الگوی رهبری مستقل زنان در حوزه علمیه را تثبیت کرد. این مورد با افزایش ۱۵ درصدی زنان عالمه در ایران پس از انقلاب (از ۵٪ در سال ۱۳۵۷ به ۲۰٪ در سال ۱۴۰۰) همخوانی دارد (امین، ۱۳۷۵: ۲۰).

الگوی سوم: حکمرانی شورایی (بلقیس)

الگوی سوم، حکمرانی شورایی با شخصیت بلقیس ملکه سبا تجلی یافته است. بلقیس، نماد حکمرانی عاقلانه، مشورتی، مبتنی بر خرد جمعی و دیپلماسی هوشمند است. قرآن کریم با ذکر دقیق مشورت او با بزرگان قوم در سوره نمل آیه ۳۲، نه تنها این روش را تأیید، بلکه آن را الگوی مطلوبی برای حکمرانی معرفی می‌کند.

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أِفْتُونِي فِي أَمْرٍ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ

گفت: ای سران قوم، در کار من به من نظر دهید که من هیچ کاری را بدون حضور شما فیصله نمی‌دهم.

او در برابر تهدید نظامی سلیمان، به جای واکنش احساسی یا استبدادی، با تشکیل شورا، تحلیل چندجانبه و اجرای دیپلماسی چندسطحی، هم جنگ را جلوگیری کرد، هم ایمان آورد، و هم حاکمیت خود را حفظ کرد (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۵: ۴۱۰).

ویژگی‌های ساختاری: بلقیس از سه پایه قدرت بهره برد: ۱. اقتدار رسمی و مشروع به عنوان ملکه‌ای با پذیرش عمومی ۲. وجود نهاد مشورتی پایدار (ملاً به عنوان شورای عالی تصمیم‌گیری) ۳. رویارویی با تهدید خارجی پیچیده (نامه سلیمان، قدرت نظامی برتر، فشار ایدئولوژیک) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۵).

سازوکارهای عملیاتی: این الگو در شش مرحله اجرا شد: ۱. تشکیل شوراهای مشورتی تخصصی (نخبگان سیاسی، نظامی و اقتصادی) ۲. دیپلماسی چندسطحی (ارسال هدیه، مذاکره، بازدید میدانی) ۳. مدیریت تغییر تدریجی از مقاومت به پذیرش ۴. آزمون و خطای عملی (ارسال هدیه به عنوان ابزار سنجش) ۵. تصمیم‌گیری نهایی قاطع پس از مشورت ۶. هدایت جمعی جامعه به سمت تحول بدون فروپاشی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۱۸۰).

سازوکارهای رفتاری: بلقیس با پنج رفتار کلیدی رفتار کرد: ۱. فروتنی در عین اقتدار (مشورت با وجود قدرت مطلق) ۲. گوش دادن فعال و بدون پیش‌داوری ۳. تحلیل چند گزینه‌ای (جنگ، صلح،

تسلیم) ۴. شجاعت در تصمیم نهایی ۵. پذیرش حقیقت با تواضع (اعلام توحید پس از مشاهده معجزه) (نمل، ۴۴) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۳۰۲).

شاخص‌های سنجش موفقیت: از دید کمی، موفقیت دیپلماتیک کامل (جلوگیری از جنگ، حفظ کامل قلمرو، تبدیل تهدید به فرصت تمدنی). از دید کیفی، تثبیت الگویی از حکمرانی مشورتی که تا امروز در نظریه‌های سیاسی مورد توجه است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴: ۳۲).

مطالعه موردی معاصر: زنان عضو شوراهای شهر و روستا در ایران، به‌ویژه در مناطق بحران‌زده مانند سیستان و بلوچستان، نمونه‌ای از این الگو هستند. آن‌ها با تشکیل شوراهای محلی، مشورت با زنان، مردان و بزرگان قوم و مدیریت بحران‌های قومی - اقتصادی، طرح‌های توسعه‌ای را بدون درگیری اجرا کرده‌اند. گزارش وزارت کشور (۱۴۰۴: ۱۵) نشان می‌دهد که در شوراهای استان کرمان، زنان با الگوی بلقیس‌محور، نرخ مشارکت اجتماعی زنان را تا ۴۰ درصد افزایش داده‌اند. برای مثال، در یکی از روستاهای کرمان، زنان عضو شورا با تشکیل کارگروه‌های تخصصی و مشورت با معتمدان محلی، موفق به اجرای طرح آبرسانی با جلب مشارکت ۷۰ درصدی اهالی شدند.

الگوی چهارم: شبکه‌سازی مردمی - خانوادگی (مادر موسی)

الگوی چهارم، شبکه‌سازی مردمی - خانوادگی با محوریت مادر موسی ارائه شده است. این الگو، قدرت مدیریت جهادی در سطح خرد را با تکیه بر سرمایه اجتماعی، شبکه‌های عاطفی و اعتماد خانوادگی نشان می‌دهد. مادر موسی در اوج بحران (کشتار نوزادان عبرانی)، با الهام الهی، شبکه‌ای کوچک، اما فوق‌العاده مؤثر متشکل از خودش، دخترش (خواهر موسی) و آسیه (همسر فرعون) ایجاد کرد تا موسی را از مرگ نجات دهد و به دامان خانواده بازگرداند (قصص، ۷-۱۳) (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۶: ۱۷).

ویژگی‌های ساختاری: این الگو در سه لایه ساختاری رفتار می‌کند: ۱. قرارگیری در پایین‌ترین سطح هرم قدرت (مادر برده عبرانی) ۲. دارا بودن سرمایه عاطفی و خانوادگی عمیق ۳. دسترسی غیر مستقیم به کانون قدرت از طریق آسیه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۲).

سازوکارهای عملیاتی: این الگو در چهار مرحله اجرا شد: ۱. تشکیل شبکه‌های چابک و غیر متمرکز (ارتباط مستقیم مادر و خواهر و ارتباط غیر مستقیم با آسیه) ۲. هماهنگی عملیاتی دقیق (دستور به خواهر برای تعقیب سبد) ۳. مدیریت طرح‌های اجتماعی در شرایط بحرانی با کمترین

منابع ۴. تقسیم کار تشکیلاتی مبتنی بر توانمندی‌ها (مادر: تصمیم‌گیر، خواهر: عملیات میدانی، آسیه: پشتیبانی درونی) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ۲۳۰).

سازوکارهای رفتاری: این الگو با پنج رفتار کلیدی همراه است: ۱. رفتار بر اساس الهام قلبی نه تحلیل منطقی صرف ۲. سکوت و صبوری راهبردی در برابر فشار روانی ۳. اعتماد مطلق به عناصر شبکه ۴. خطرپذیری مادرانه (به‌خطرانداختن جان فرزند برای نجات او) ۵. تبدیل ترس به رفتار و مدیریت اضطراب (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۸۰).

شاخص‌های سنجش موفقیت: از دید کمی، نجات جان رهبر آینده (موسی)، بازگرداندن او به خانواده، موفقیت کامل در عملیات با کمترین منابع، و هزینه جانی نداشتن برای شبکه. از دید کیفی، ایجاد الگوی شبکه‌سازی عاطفی که در طول تاریخ به‌عنوان سرمشق برای مادران و زنان مقاوم باقی مانده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴: ۲۵).

مطالعه موردی معاصر: مادران شهدا و ایثارگران در دفاع مقدس نمونه‌ای آشکار از این الگو هستند. این زنان با ایجاد شبکه‌های عاطفی، اطلاعاتی و پشتیبانی، نقش بی‌بدیلی در پشتیبانی جبهه‌ها، حفظ روحیه رزمندگان، انتقال پیام‌ها و حتی جاسوسی ایفا کردند. طبق اسناد بنیاد شهید (۱۴۰۰: ۳۵)، بیش از ۵۰ درصد حمایت‌های مردمی (غذا، لباس، اطلاعات) توسط زنان انجام شد. جداسازی این حمایت‌ها نشان می‌دهد که ۴۰ درصد به تأمین پشتیبانی، ۳۵ درصد به انتقال اطلاعات و ۲۵ درصد به پشتیبانی عاطفی اختصاص داشته است. شبکه‌های مادرانه در شهرهای مرزی، صدها عملیات را پشتیبانی کردند.

الگوی پنجم: کارآفرینی اجتماعی (دختران شعیب)

الگوی پنجم، کارآفرینی اجتماعی با محوریت دختران شعیب ارائه شده است. این الگو بر نقش فعال، محوری و ابتکارآمیز زنان در عرصه اقتصاد محلی با رویکردی اجتماعی، اخلاقی و خانواده‌محور تأکید می‌کند. قرآن در سوره قصص آیات ۲۳ تا ۲۸ داستان دختران شعیب را روایت می‌کند که در نبود پدر، مسئولیت چوپانی، مدیریت منابع آبی و جذب نیروی کار را بر عهده گرفتند و با پیشنهاد استخدام موسی (ع)، الگویی از کارآفرینی جنسیتی متوازن ارائه کردند (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۶: ۲۵).

ویژگی‌های ساختاری: این الگو در سه لایه ساختاری رفتار می‌کند: ۱. مسئولیت‌پذیری در کسب و کار خانوادگی و مدیریت منابع اقتصادی ۲. قرارگیری در جامعه محلی با منابع محدود طبیعی (آب و مرتع) ۳. تعامل محترمانه با نیروی کار مرد و حفظ حریم‌های شرعی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۰).

سازوکارهای عملیاتی: این الگو در چهار مرحله اجرا شد: ۱. مدیریت منابع محلی (آب، گوسفندان، مراتع) ۲. ایجاد تعاونی‌های کوچک خانوادگی برای تولید و توزیع محصولات دامی ۳. نوآوری در ارائه خدمات (استخدام بر اساس شایستگی، نه جنسیت) ۴. تعامل جنسیتی متوازن با حفظ حیا و حریم‌های شرعی در محیط کار (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۳: ۲۳۵).

سازوکارهای رفتاری: این الگو با چهار رفتار کلیدی همراه است: ۱. ابتکار عمل در پیشنهاد استخدام موسی به پدر ۲. حیا به عنوان راهبردی اعتمادسازی در محیط کار ۳. شجاعت در تصمیم‌گیری و پذیرش مسئولیت ۴. مسئولیت‌پذیری جمعی در برابر خانواده و جامعه (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۸: ۲۸۵).

شاخص‌های سنجش موفقیت: از دید کمی، توسعه اقتصادی خانواده پس از استخدام موسی، افزایش تولیدات دامی و بهبود معیشت خانواده (افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی درآمد). از دید کیفی، تثبیت جایگاه اجتماعی زنان در اقتصاد محلی و ایجاد الگویی برای نسل‌های بعد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۴: ۲۸).

مطالعه موردی معاصر: زنان روستایی و عشایری در ایران که با ایجاد تعاونی‌های تولیدی، صنایع دستی و دامداری، نقش کلیدی در اقتصاد خانواده و جامعه ایفا می‌کنند، نمونه‌ای از این الگو هستند. بر اساس گزارش وزارت جهاد کشاورزی (۱۴۰۳: ۲۲)، بیش از ۶۰ درصد تعاونی‌های روستایی در استان‌های کرمان، فارس و خراسان رضوی با مدیریت و مشارکت فعال زنان اداره می‌شود. به عنوان نمونه، تعاونی زنان روستایی «نازگل» در استان فارس با مدیریت ۳۵ زن، موفق به افزایش تولیدات دامی به میزان ۲۵ درصد و ایجاد اشتغال برای ۵۰ خانوار شده است.

۶. الگوی ششم: کارآفرینی تمدنی (خدیجه)

الگوی ششم، کارآفرینی تمدنی با شخصیت خدیجه کبری به تصویر کشیده شده است. خدیجه، تاجری موفق، ثروتمند و بانویی با بینش تمدنی بود که تمام سرمایه مادی، اجتماعی و عاطفی خود را در مسیر حمایت از رسالت پیامبر(ص) و پایه‌گذاری تمدن اسلامی به کار گرفت. در سیره ابن هشام (۱۴۱۱، ق، ج ۱: ۱۸۰-۱۸۵) آمده است که خدیجه با استفاده از شبکه گسترده تجاری خود در شام، یمن و مکه، نه تنها حامی مالی، بلکه شریک فکری، مدیر اجرایی و ستون فقرات اقتصادی نهضت بود. او در سخت‌ترین دوران تحریم اقتصادی مسلمانان در شعب ابی طالب، تمامی سرمایه خود را

برای تأمین غذای مسلمانان هزینه، و با صبر و آرامش خود، پیامبر را در بحران‌های روحی و روانی همراهی کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۲۵۰).

ویژگی‌های ساختاری: خدیجه از سه لایه ساختاری بهره برد: ۱. ثروت کلان و سرمایه‌گذاری‌های گسترده ۲. شبکه گسترده تجاری - سیاسی در شام، یمن و مکه (کاروان‌های تجاری و ارتباطات با حاکمان مناطق) ۳. بینش تمدنی و آینده‌نگری که او را قادر ساخت تا سرمایه خود را در مسیر یک طرح تمدنی (اسلام) هزینه کند، نه صرفاً برای سود شخصی (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۶: ۴۸).

سازوکارهای عملیاتی: این الگو در پنج مرحله اجرا شد: ۱. کارآفرینی مالی با مقیاس تمدنی (سرمایه‌گذاری در تجارت بین‌المللی) ۲. مدیریت زنجیره تأمین پیچیده (کاروان‌های تجاری و بازارهای منطقه‌ای) ۳. شبکه‌سازی در سطح منطقه‌ای (حاکمان و تجار بزرگ) ۴. سرمایه‌گذاری برای طرح‌های زیربنایی (حمایت از مهاجران، خرید و آزادسازی بردگان) ۵. حمایت روانی و عاطفی از پیامبر به‌عنوان پشتوانه اخلاقی نهضت (ابن‌هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۸۳).

سازوکارهای رفتاری: خدیجه با چهار رفتار کلیدی رفتار کرد: ۱. خطرپذیری زیاد در سرمایه‌گذاری بر یک فکر نو (رسالت) ۲. وفاداری مطلق به رهبری الهی (پیامبر) و همراهی در تمامی سختی‌ها ۳. تبدیل ثروت به قدرت نرم از راه شبکه‌سازی و خیریه ۴. مدیریت بحران با آرامش و صبر در برابر فشارهای قریش (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۲۵۲).

شاخص‌های سنجش موفقیت: از دید کمی، تأمین مالی کامل نهضت در مراحل حساس، سرمایه‌گذاری تمامی ثروت شخصی (حدود ۶۰۰ شتر و کاروان‌های تجاری). از دید کیفی، تبدیل شدن به ستون فقرات اقتصادی تمدن نوپای اسلامی و الگویی برای سرمایه‌گذاری اجتماعی در طول تاریخ اسلام (ابن‌هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۸۵).

مطالعه موردی معاصر: کارآفرینان زن ایرانی در عرصه اقتصاد مقاومتی و صادرات، نمونه‌ای از این الگو هستند. به‌عنوان نمونه، برخی زنان کارآفرین در صنایع دستی و پوشاک اسلامی - ایرانی با ایجاد شبکه‌های تولید و صادرات به کشورهای همسایه، ضمن ایجاد اشتغال برای هزاران زن، به ترویج هویت اسلامی - ایرانی کمک کرده‌اند. گزارش اتاق بازرگانی ایران (۱۴۰۳: ۱۲) نشان می‌دهد که ۱۵ درصد از صادرات صنایع دستی ایران توسط شرکت‌های زن‌محور انجام می‌شود؛ همچنین بر اساس گزارش‌های جدید، بیش از ۱۵۰۰ شرکت دانش‌بنیان در ایران توسط زنان مدیریت می‌شود که نشان‌دهنده ظرفیت زیاد کارآفرینی تمدنی زنان در عرصه اقتصاد دانش‌بنیان است.

۷. ضد الگوها: هشدارهای قرآنی

ضد الگوها در قرآن، چراغ‌های قرمز مسیر حکمرانی تشکیلاتی زنان هستند. دو ضد الگوی همسر نوح و همسر لوط، نمادهای شکست در دل خانواده‌های پیامبری هستند که در بالاترین سطح نزدیکی به حق قرار داشتند، اما به دلیل انحراف درونی نابود شدند. قرآن می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا» (تحریم، ۱۰). قرآن با نام‌بردن از آن‌ها در کنار زنان مؤمن (آسیه و مریم)، تضاد وفاداری و خیانت را نشان می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۲۲۰). این ضد الگوها، مکمل الگوهای شش‌گانه هستند و با ترسیم سازوکارهای شکست، پیشگیری از انحراف را ممکن می‌سازند.

ضد الگوی اول: خیانت ایدئولوژیک (همسر نوح)

همسر نوح، نماد خیانت ایدئولوژیک در دل خانواده پیامبری است. او با وجود نزدیکی به وحی، به جای همراهی با رسالت، با افشای اسرار و همکاری با دشمنان، به جریان حق خیانت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۱۵۰).

ویژگی‌های ساختاری: ۱. موقعیت نزدیک به قدرت به عنوان همسر پیامبر ۲. دسترسی به اطلاعات محرمانه رسالت ۳. قرارگیری در کانون تصمیم‌گیری تمدنی (کشتی نجات). اما نبود تعهد درونی، او را به خیانت سوق داد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۴۵).

سازوکارهای شکست: ۱. افشای اطلاعات حساس به مخالفان ۲. تضعیف روحیه خانواده ۳. کناره‌گیری از مسئولیت ۴. سوء استفاده از جایگاه همسری.

سازوکارهای رفتاری زیانبار: ۱. اولویت منافع شخصی بر رسالت ۲. سکوت در برابر باطل ۳. حسادت به موفقیت حق ۴. خیانت عاطفی - ایدئولوژیک (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۳۱۵).

شاخص‌های شکست: نابودی کامل، افشای اسرار، از دست دادن مشروعیت ابدی و تبدیل به نماد خیانت (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۲۲۰-۲۲۲).

نمونه معاصر: همکاری با سرویس‌های بیگانه یا افشای اسرار محرمانه در فضای مجازی، مصداق خیانت در عین نزدیکی به قدرت است.^۱

۱ برای نمونه، نگاه کنید به پرونده محکومیت دو زن در استان سمنان به اتهام ارتباط با سرویس‌های جاسوسی (ایلنا، ۱۴۰۵).

ضد الکوی دوم: انحراف اجتماعی (همسر لوط)

همسر لوط، نماد انحراف اجتماعی و همکاری با فساد قوم است. او در خانه پیامبر زیست، اما به‌جای اصلاح جامعه، با فاسدان همسو شد و با قوم هلاک شد (هود، ۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۴۵۰).

ویژگی‌های ساختاری: ۱. زندگی در خانه پیامبر ۲. قرارگیری در جامعه‌ای فاسد ۳. نبود وفاداری تشکیلاتی و انحراف اخلاقی.

سازوکارهای شکست: ۱. عادی‌سازی گناه ۲. قطع نکردن ارتباط با فاسدان ۳. تبدیل خانه به پایگاه فساد ۴. تضعیف اقتدار پیامبر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۵۰).

سازوکارهای رفتاری زیانبار: ۱. عادی‌سازی گناه و بی‌تفاوتی به هشدارها ۲. اولویت روابط فاسد بر تعهدات دینی ۳. بی‌تفاوتی به هشدارهای الهی ۴. حسادت به پاکان و همکاری با دشمنان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۳۲۰).

شاخص‌های شکست: هلاکت با قوم فاسد، نجات‌نیافتن خانواده، تبدیل به نماد همسری که خانه را پایگاه باطل کرد (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۴۵۰-۴۵۲).

نمونه معاصر: همسویی با شبکه‌های فساد اقتصادی - اداری یا عادی‌سازی هنجارهای غیر اسلامی در خانواده‌های تأثیرگذار، مصداق انحراف اجتماعی در تراز حکمرانی است.^۱

جمع‌بندی ضد الگوها: درس‌هایی برای حکمرانی زنان

این دو ضد الگو نشان می‌دهد که نزدیکی به حق، بدون تعهد درونی، نجات‌بخش نیست و خطر انحراف در سطوح بالای تصمیم‌گیری بیشتر است.

درس‌های کلیدی

الف) نزدیکی به قدرت کافی نیست: گزینش برای پست‌های کلیدی باید بر التزام عملی و تعهد درونی استوار باشد، نه تنها شایستگی ظاهری
ب) انحراف از خانواده آغاز می‌شود: نهاد خانواده باید کانون تربیت و نظارت باشد تا از نفوذ جریان‌های انحرافی جلوگیری شود.

۱ بر اساس اعلام سخنگوی قوه قضائیه، طی پنج سال اخیر حدود ۲۷۰۰ پرونده مهم اقتصادی در دادگاه‌های ویژه به‌صورت علنی رسیدگی شده است (ایرنا، ۱۴۰۵) که بسیاری از آنها به شبکه‌های فساد در سطوح بالای اداری و نزدیکان مقامات مرتبط است و مصداق روشن انحراف اجتماعی در تراز حکمرانی به‌شمار می‌رود.

ج) عادی سازی فساد، مقدمه هلاکت است: سکوت در برابر فساد یا همسویی با شبکه های فاسد، جامعه را به اضمحلال می کشاند.

د) خیانت و انحراف، ریشه مشترک دارند: نداشتن بصیرت، ضعف ایمان و اولویت منافع شخصی بر مصالح جمعی، ریشه هر دو انحراف است.

۸. تحلیل مقایسه ای و امکان تلفیق الگوها

این بخش به دو پرسش اساسی پاسخ می دهد: شباهت ها و تفاوت های الگوها و مناسب ترین بستر هر یک کدام است؟ آیا این الگوها توان تلفیق در مسیری تکاملی دارند؟ پاسخ به این پرسش ها، مقاله را از گونه شناسی توصیفی به چارچوبی پویا ارتقا می دهد.

۱. تحلیل تطبیقی الگوهای شش گانه

الگوهای شش گانه در پایه های ایمانی، مسئولیت پذیری و ماهیت تشکیلاتی اشتراک دارند، اما در ابزارها، بسترها و مقیاس نقش آفرینی متفاوت هستند. جدول شماره ۳ این ابعاد را در هفت معیار کلیدی مقایسه می کند.

جدول ۳. تحلیل تطبیقی ابعاد الگوهای شش گانه

معیار مقایسه	مقاومت درون نظامی (آسیه)	رهبری مستقل (مریم)	حکمرانی شورایی (بلقیس)	شبکه سازی خانوادگی (مادر موسی)	کارآفرینی اجتماعی (دختران شعیب)	کارآفرینی تمدنی (خدایچه)
سطح حکمرانی	کلان	میانی تا کلان	کلان	خرد تا میانی	خرد تا میانی	کلان
عرصه نقش آفرینی	سیاسی - ایدئولوژیک	فرهنگی - معنوی	سیاسی - دیپلماتیک	اجتماعی - خانوادگی	اقتصادی - محلی	اقتصادی - تمدنی
نوع رویارویی با قدرت	درون نظامی (نفوذ)	برون نظامی (ساخت شکنی)	تعاملی (مشورت)	غیر مستقیم (پنهان)	مشارکتی (تعاون)	پشتیبان (سرمایه گذاری)
منبع اصلی قدرت	موقعیت رسمی	تأیید الهی	عقل جمعی	سرمایه عاطفی	توانمندی اقتصادی	ثروت و بیش تمدنی
پیش نیاز کلیدی	دسترسی به ساختار قدرت	استقلال مالی و معنوی	وجود نخبگان و نهاد مشورتی	سرمایه اجتماعی - خانوادگی	روحیه کارآفرینی و حیا بیش	تمدنی و ریسک پذیری
مهم ترین خطر	لورفتن و حذف فیزیکی	انزوای کامل و طرد اجتماعی	عدم پذیرش توسط نخبگان	فروپاشی شبکه اعتماد	شکست اقتصادی و ورشکستگی	از دست دادن سرمایه و نفوذ
شاخص کلیدی موقعیت	نجات افراد کلیدی	خلق الگوی هویتی ماندگار	جلوگیری از جنگ و حفظ حاکمیت	نجات رهبر آینده	افزایش بهره وری و بهبود معیشت	تأمین مالی تمدن و استمرار نهضت

کاربرد هر الگو: الگوی مقاومت درون‌نظامی برای تغییر ساختار از درون (مانند آسیب در کاخ فرعون)، رهبری مستقل برای ایجاد ساختارهای نوین بیرون از نهادهای فاسد (مریم در محراب)، حکمرانی شورایی برای مدیریت بحران‌های کلان (بلقیس در رویارویی با سلیمان)، شبکه‌سازی خانوادگی برای بحران‌های خرد با سرمایه عاطفی (مادر موسی)، کارآفرینی اجتماعی برای توسعه اقتصادی محلی (دختران شعیب) و کارآفرینی تمدنی برای سرمایه‌گذاری زیربنایی با چشم‌انداز تمدنی (خدیجه) مناسب است.

۲. الگوی مفهومی مسیر تکاملی تلفیق الگوها

این الگوها توان تلفیق در مسیری تکاملی از خرد تا تمدن را دارند (زارعی، ۱۴۰۳: ۴۰).
سطح خرد (خانواده و محله): با الگوی شبکه‌سازی مردمی - خانوادگی (مادر موسی) برای مدیریت بحران‌های کوچک و ایجاد سرمایه اجتماعی
سطح میانی (جامعه محلی و سازمان): با الگوی کارآفرینی اجتماعی (دختران شعیب) برای توسعه اقتصادی و توانمندسازی
سطح کلان (کشور و نهادهای بزرگ): بسته به موقعیت، از الگوی مقاومت درون‌نظامی (تغییر از درون)، حکمرانی شورایی (مشورت و دیپلماسی) یا رهبری مستقل (الگوسازی فرهنگی) بهره می‌برند.

سطح تمدنی (جهان اسلام): با الگوی کارآفرینی تمدنی (خدیجه) برای سرمایه‌گذاری راهبردی در طرح‌های تمدنی

مثال عینی: زنی روستایی در منطقه محروم، همزمان در شبکه مادری (الگوی چهارم) حمایت می‌کند، تعاونی صنایع دستی (الگوی پنجم) راه‌اندازی می‌کند، در شورای روستا (الگوی سوم) مشارکت دارد و در بحران‌ها با رویکرد مقاومت (الگوی اول) از حقوق جامعه دفاع می‌کند. این تلفیق، اثربخشی دوچندان و افزایش ۴۰ درصدی مشارکت اجتماعی را به همراه داشته است (زارعی، ۱۴۰۳: ۴۲؛ وزارت کشور، ۱۴۰۴: ۱۸).

۳. نسبت الگوها و ضد الگوها؛ هشداری برای مسیر تکاملی

ضد الگوها، آینده‌ای برای بازنگری در عملکرد الگوهای مثبت هستند. جدول شماره ۴ درس‌های هشداردهنده را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نسبت الگوهای مثبت و ضد الگوها: درس‌هایی برای حکمرانی

الگوی مثبت	ضد الگوی متناظر	درس هشداردهنده
مقاومت درون‌نظامی (آسیه)	خیانت ایدئولوژیک (همسر نوح)	نزدیکی به قدرت، بدون تعهد درونی، به خیانت می‌انجامد.
رهبری مستقل (مریم)	انحراف اجتماعی (همسر لوط)	استقلال بدون پایبندی به ارزش‌ها، به انحراف اجتماعی می‌انجامد.
حکمرانی شورایی (بلقیس)	خیانت ایدئولوژیک (همسر نوح)	قدرت بدون مشورت، به استبداد و خیانت منجر می‌شود.
شبکه‌سازی خانوادگی (مادر موسی)	انحراف اجتماعی (همسر لوط)	شبکه‌سازی بدون تعهد اخلاقی، ابزار تخریب می‌شود.
کارآفرینی اجتماعی (دختران شعیب)	خیانت ایدئولوژیک (همسر نوح)	کارآفرینی بدون اخلاق، به فساد اقتصادی می‌انجامد.
کارآفرینی تمدنی (خدیجه)	انحراف اجتماعی (همسر لوط)	سرمایه‌گذاری تمدنی بدون بصیرت، به انحراف تبدیل می‌شود.

خوانش توأمان الگوها و ضد الگوها، هم مسیر درست را نشان می‌دهد و هم هشدارهای مسیر نادرست را ترسیم می‌کند. الگوهای مثبت بر وفاداری، مشورت و اخلاق تأکید می‌کند و ضد الگوها بر خیانت، فساد و بی‌تفاوتی هشدار می‌دهد.

۴. جمع‌بندی تحلیلی؛ از گونه‌شناسی تا نقشه راه عملیاتی

این گونه‌شناسی، تنها نظری نیست، بلکه نقشه راهی عملیاتی است که با رویکردهای نوین در دانش حکمرانی همخوانی دارد. نشریات علمی مانند فصلنامه دانش حکمرانی و نشریه آیین حکمرانی با محوریت موضوعاتی چون حکمرانی و سیاستگذاری عمومی و حکمرانی اسلامی، نشان می‌دهند که ارائه الگوهای بومی و عملیاتی، یکی از دغدغه‌های اصلی این حوزه است؛ همچنین آثاری مانند کتاب «ایران قوی و بایسته‌های حکمرانی» که به بررسی الزامات حکمرانی در ایران معاصر می‌پردازند، بر ضرورت این مهم تأکید می‌کنند.

الف) چندسطحی بودن: از خرد (خانواده) تا تمدنی (جهان اسلام)

ب) تکاملی بودن: مسیری تدریجی با به‌دست‌آوردن تجربه و سرمایه اجتماعی

ج) تلفیق‌پذیری: الگوها یکدیگر را تقویت، و اثربخشی دوجندان ایجاد می‌کنند.

د) هشدارمحوری: آگاهی از ضد الگوها، پیشگیری از انحراف را در هر سطحی ممکن می‌سازد.

۹. چالش‌های اجرایی و راهبردهای پیش‌رو با تحلیل حقوقی و آماری

اجرای این الگوها در عرصه عمل با موانعی روبه‌رو است که در سه سطح قابل دسته‌بندی است: موانع فرهنگی و ذهنیتی، موانع ساختاری و نهادی و چالش‌های گفتمانی و آماری. بدون شناسایی و رفع این موانع، الگوهای قرآنی ممکن است در حد مطلوب‌های دوردست باقی بماند؛ اما با برنامه‌ریزی راهبردی، این چالش‌ها قابل تبدیل به فرصت برای ایجاد جنبش نرم زنان مسلمان در عرصه حکمرانی است.

۱. موانع فرهنگی و ذهنیتی

این موانع شامل ذهنیت‌های سنتی محدودکننده، تبعیض ناخودآگاه جنسیتی، ضعف در آموزش هویت قرآنی زنانه و مقاومت در برابر الگوهای نوین رهبری زنان است. این موانع ریشه در برداشت‌های نادرست از متون دینی و عرف‌های اجتماعی کهن دارد. با این حال، چارچوب تفسیری ارائه‌شده در بخش دوم این مقاله (رویاریویی با آیه قوامیت و جداسازی عرصه خانواده از حکمرانی عمومی) می‌تواند به‌عنوان مبنایی نظری برای تغییر این ذهنیت‌ها رفتار کند؛ همچنین سیره فاطمی و زینبی به‌عنوان الگوهای عینی، می‌تواند در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برای تغییر نگرش‌های سنتی مورد استفاده قرار گیرد (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۰۲؛ مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲). راهبرد رویاریویی با این موانع، اجرای برنامه‌های گسترده فرهنگی و آموزشی از راه رسانه ملی، نظام آموزشی و نهادهای دینی برای ترویج الگوهای قرآنی است. تولید محتوای جذاب (فیلم، سریال، بازی) بر اساس زندگی این شخصیت‌ها می‌تواند به تغییر نگرش‌های فرهنگی کمک کند (پیروزمند و صادقی، ۱۴۰۲: ۸۰).

۲. موانع ساختاری و نهادی

این موانع شامل دیوانسالاری‌های دولتی انعطاف‌ناپذیر، ضعف در حمایت مالی و قانونی از تشکلهای غیر دولتی زنان، نبود هماهنگی بین سیاست‌گذاری و اجرا و نبود سازوکارهای شفاف برای شناسایی و به‌کارگیری زنان توانمند در پست‌های مدیریتی است. بر اساس قوانین، منشور حقوق زنان (۱۳۸۳) حمایت از تشکلهای را پیش‌بینی کرده، اما اجرا ضعیف است. آمار نشان می‌دهد که تنها ۱۰ درصد مناصب مدیریتی دولتی در اختیار زنان است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲: ۴۵). با این حال، تحولات اخیر نشان‌دهنده حرکت‌های مثبتی است؛ به‌گونه‌ای که در دولت چهاردهم، بیش از ۲۷۰۰ نفر از بانوان در جایگاه‌های مدیریتی قرار گرفته‌اند و ۱۲ درصد از مدیران عامل شرکت‌های دانش‌بنیان کشور را زنان تشکیل داده‌اند (روزنامه شهرآرا، ۱۴۰۴)؛ همچنین بیش از ۶۰ درصد ورودی دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده ظرفیت مطلوب سرمایه انسانی زنان در کشور است (خبرگزاری ایلنا، ۱۴۰۴).

راهبرد اصلاح قوانین و مقررات برای آسان‌سازی فعالیت تشکلهای زنان (مانند اصلاح قانون کار برای حمایت از کارآفرینی زنان) و ایجاد صندوق وقف و سرمایه‌گذاری خطرپذیر برای حمایت از کارآفرینی زنان از جمله راهکارهای عملی است؛ همچنین تعریف شاخص‌های ترکیبی برای ارزیابی و گزینش مدیران که شامل معیارهای تشکیلاتی و تخصصی باشد، می‌تواند به شناسایی و به‌کارگیری زنان توانمند کمک کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۲۳). بر اساس گزارش‌های جدید، با وجود اینکه زنان

بیش از ۶۰ درصد از دانش‌آموختگان دانشگاهی را تشکیل می‌دهند، تنها ۱۴ درصد از آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی حضور دارند (خبرگزاری ایلنا، ۱۴۰۴). این شکاف نشان‌دهنده ضرورت اقدامات ساختاری جدی‌تر برای تبدیل سرمایه انسانی زنان به مشارکت اقتصادی و مدیریتی مؤثر است.

۳. چالش‌های گفتمانی و آماری

این چالش‌ها شامل رقابت با گفتمان مسلط و جذاب فمینیستی لیبرال، ابهام در تعریف عملیاتی بانوی ایرانی و زن تراز انقلاب اسلامی و ناتوانی در ارائه روایتی جذاب و همه‌فهم از الگوهای قرآنی است. راهبرد اساسی، بازتعریف و عملیاتی‌سازی گفتمان زن تراز انقلاب بر اساس همین الگوهای قرآنی است. روایت‌سازی هوشمندانه از موفقیت‌های زنان ایرانی در چارچوب این الگوها و دیپلماسی عمومی برای ارائه این الگوها به‌عنوان جایگزین پیشرو در سطح جهانی، با تمرکز بر افزایش آمار مشارکت از راه برنامه‌های آموزشی، از دیگر راهبردهای کلیدی است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۴: ۴۰)، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران در سال ۱۴۰۴ به ۴۴ درصد رسیده است که در مقایسه با هدف تعیین‌شده در برنامه ششم توسعه (۳۰ درصد) فاصله زیادی دارد؛ همچنین سهم زنان در هیئت مدیره شرکت‌های بزرگ دولتی و خصوصی کمتر از هفت درصد است. این آمار نشان می‌دهد به‌رغم ظرفیت‌های قانونی و فرهنگی، موانع ساختاری و ذهنیتی همچنان بر سر راه مشارکت زنان در حکمرانی وجود دارد. اجرای الگوهای قرآنی می‌تواند با ارائه چارچوب بومی و معنوی، این موانع را به‌تدریج کاهش دهد و زمینه را برای افزایش مشارکت زنان در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری فراهم آورد.

تعامل با نهادهای حوزوی و فقهی؛ راهکارهای تقرب و هم‌افزایی

در راستای اجرای این الگوها، یکی از مسائل مهم، ضرورت تبیین هرچه روشن‌تر ضوابط فقهی و حقوقی مرتبط با تصدی مناصب کلان توسط زنان است؛ موضوعی که در محافل علمی و فقهی، محل بحث و گفت‌وگوهای عمیق بوده، و دیدگاه‌های گوناگونی را به‌همراه داشته است. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که به‌جای تقابل یا سکوت، از ظرفیت‌های خود این نهادها برای گفت‌وگو و هم‌افزایی استفاده شود.

الف) استفاده از نظرات فقهی پویا: مراجعی مانند آیت‌الله جوادی آملی با تأکید بر ولایت تشریعی به‌جای ولایت تکوینی، زمینه را برای پذیرش نقش‌های مدیریتی زنان فراهم کرده‌اند (جوادی آملی،

تفسیر تسنیم، ج ۸: ۲۴۵). این نظرات می‌تواند به‌عنوان مبنا برای بازنگری در قوانین استخدامی و مدیریتی مورد استفاده قرار گیرد.

ب) تأسیس شورای مشورتی فقهی - اجرایی زنان: با الهام از الگوی حکمرانی شورایی (بلقیس)، تشکیل شورای مشورتی متشکل از فقیهان، حقوقدانان و مدیران زن می‌تواند به تدوین ضوابط شرعی و حقوقی برای حضور زنان در پست‌های کلیدی کمک کند. این شورا می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی میان نهادهای حوزوی و دستگاه‌های اجرایی رفتار کند.

ج) آسیب‌شناسی تجربه‌های موفق: بررسی تجربه‌های موفق حضور زنان در نظام قضایی و مدیریتی کشورهای اسلامی مانند مالزی و ترکیه (با رعایت چارچوب‌های شرعی) می‌تواند به رفع نگرانی‌های فقهی کمک کند.

راهبردهای عملیاتی پیشنهادی با رویکرد زمان‌بندی، نهاد متولی و برآورد هزینه

برای تبدیل الگوهای قرآنی به برنامه عملیاتی قابل اجرا در جمهوری اسلامی ایران، راهبردهای زیر با تعیین نهاد متولی، بازه زمانی، شاخص‌های ارزیابی و برآورد هزینه‌های تقریبی پیشنهاد می‌شود:

راهبرد اول؛ آموزش و توانمندسازی: اجرای دوره‌های آموزشی مبتنی بر الگوهای قرآنی برای زنان در سطوح گوناگون (مدیران، کارآفرینان، فعالان اجتماعی) با همکاری معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت علوم و حوزه‌های علمیه

راهبرد دوم؛ اصلاح ساختارهای حقوقی و اداری: بازنگری در قوانین استخدامی و مدیریتی برای آسان‌سازی حضور زنان در پست‌های کلیدی (با الهام از الگوی بلقیس در حکمرانی شورایی) و ایجاد سهمیه‌های هدفمند برای زنان در هیئت‌های مدیره و شوراهای تصمیم‌گیری

راهبرد سوم؛ حمایت از کارآفرینی زنان: ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر ویژه زنان کارآفرین با الهام از الگوی خدیجه (کارآفرینی تمدنی) و الگوی دختران شعیب (کارآفرینی اجتماعی)

راهبرد چهارم؛ روایت‌سازی و تولید محتوا: تولید مجموعه‌های رسانه‌ای (فیلم، سریال، مستند، بازی) مبتنی بر زندگی شخصیت‌های زن قرآنی با همکاری صداوسیما و حوزه هنری

راهبرد پنجم؛ شبکه‌سازی ملی و بین‌المللی: ایجاد شبکه ملی زنان کنشگر بر اساس الگوی مادر موسی (شبکه‌سازی مردمی - خانوادگی) و گسترش دیپلماسی عمومی زنان با الهام از الگوی بلقیس

نتیجه‌گیری، محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادها

الف) نتیجه‌گیری

این پژوهش با روش تفسیر موضوعی استنباطی نشان داد که قرآن کریم نه تنها نافی نقش‌آفرینی تشکیلاتی، سیاسی، اقتصادی و تمدنی زنان نیست، بلکه گونه‌شناسی غنی، نظام‌مند و چندلایه‌ای در این زمینه ارائه می‌دهد. شش الگوی اصلی (مقاومت درون‌نظامی، رهبری مستقل فرهنگی - روحانی، حکمرانی شورایی، شبکه‌سازی مردمی - خانوادگی، کارآفرینی اجتماعی و کارآفرینی تمدنی) و دو ضد الگو (خیانت ایدئولوژیک و انحراف اجتماعی)، انعطاف‌پذیری و توان تعمیم‌طلبی برای دوران معاصر دارند.

نوآوری مهم این پژوهش، رویارویی نظام‌مند با آیه قوامیت (نساء، ۳۴) و ارائه چارچوبی تفسیری است که نشان می‌دهد این آیه نه تنها با الگوهای حکمرانی تشکیلاتی زنان در تعارض نیست، بلکه در چارچوب نظام ارزشی قرآن، مکمل آن‌ها به‌شمار می‌رود. بر این اساس، قوامیت به‌عنوان حکم خانوادگی تفسیر می‌شود و نه اصل حکمرانی محدودکننده. شواهد قرآنی (حکمرانی بلقیس، رهبری مریم، مقاومت آسیه، کارآفرینی خدیجه) به‌روشنی نشان می‌دهند که قرآن زنان را کنشگرانی فعال، مستقل و مؤثر در عرصه حکمرانی معرفی می‌کند. این تفسیر با بیانات مقام معظم رهبری^(ره) همخوانی کامل دارد که بر وظیفه و تکلیف زنان در مشارکت سیاسی - اجتماعی تأکید دارند.

تکمیل این چارچوب با سیره فاطمی و زینبی، نشان می‌دهد که در بستر جمهوری اسلامی ایران، زنان می‌توانند با الگوگیری از حضرت فاطمه(س) در رویارویی با نهادهای قدرت و از حضرت زینب(س) در بحران‌های اجتماعی - سیاسی، نقش‌آفرینی تشکیلاتی داشته باشند. این سیره، به‌ویژه در پاسخ به چالش «تعارض نقش خانوادگی و مدیریت کلان»، الگویی عینی و عملیاتی ارائه می‌دهد. گونه‌شناسی استخراج‌شده، فراتر از غنای نظری، ظرفیت زیادی برای کاربردی‌سازی عملی در نظام حکمرانی ایران دارد. با توجه به چالش‌های ساختاری (نرخ پایین مشارکت اقتصادی با ۱۴/۴٪ و سهم ۱۰٪ زنان در مناصب مدیریتی)، الگوهای شش‌گانه می‌توانند به‌مثابه دستورالعملی راهبردی، موانع را مرتفع سازد. این الگوها، نقشه‌های عملیاتی و چارچوب‌های ارزیابی برای نقش‌آفرینی زنان در حکمرانی، اقتصاد، فرهنگ و تمدن‌سازی هستند و تحقق آن‌ها، نیازمند عزم ملی و طراحی سازوکارهای اجرایی کارآمد است.

پیامدهای راهبردی اجرای الگوها:

۱. تعمیق گفتمان بومی زن تراز انقلاب اسلامی با جایگزینی تصویر زن منفعل به جای زن کنشگر، مقاوم و تمدن‌ساز
 ۲. شتاب بخشی به تمدن نوین اسلامی از راه ورود فعال زنان به عرصه تمدن‌سازی و ایجاد شبکه جهانی زنان مسلمان
 ۳. پاسخ به بحران هویت و مشارکت زنان در جهان اسلام با ارائه الگویی بدیل برای الگوهای غربی و سنتی
- در شرایطی که گفتمان لیبرال، زن را به کالای مصرفی و گفتمان سنتی متحجر، او را به حاشیه رانده است، قرآن گنجینه‌ای بکر و پویا از الگوهای نقش‌آفرینی زنان ارائه می‌کند. این پژوهش، گامی راهبردی در مسیر بازخوانی این گنجینه است و می‌تواند زمینه‌ساز ارائه الگویی بدیل برای جنبش‌های زنان در سطح جهانی باشد.

ب) محدودیت‌های پژوهش و پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

۱. محدودیت در منابع تفسیری و تمرکز بر تفاسیر شیعه: پژوهش‌های آینده با رویکرد تطبیقی میان‌مذهبی می‌تواند به غنای گونه‌شناسی بیفزاید.
 ۲. نبود پژوهش میدانی: سنجش میزان تأثیرپذیری مدیران زن از این الگوها، نیازمند پژوهش‌های میدانی و مصاحبه‌های عمیق است.
 ۳. نیاز به تحلیل کمی: بررسی همبستگی میان آشنایی با الگوهای قرآنی و افزایش مشارکت زنان، با روش‌های آماری پیشرفته قابل انجام است.
 ۴. نبود تعامل با گفتمان‌های رقیب داخلی: تحلیل تطبیقی با فمینیسم اسلامی و رویکردهای سنتی‌گرای افراطی، پیشنهادی برای پژوهش‌های آینده است.
- سرانجام، این پژوهش نه پایان راه، بلکه نقشه آغاز نهضتی تمدنی با محوریت زنان مسلمان است. تحقق تمدن نوین اسلامی بدون مشارکت فعال و تشکیلاتی زنان ممکن نیست. قرآن راه را نشان داده، و اکنون نوبت به عمل و اجرا است. زنان ایرانی با تکیه بر این میراث غنی قرآنی و ظرفیت‌های قانونی، می‌توانند در سطح منطقه و جهان، الگویی بدیل و پیشرو از نقش‌آفرینی زنان در حکمرانی تمدنی ارائه کنند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲/۱۰/۰۶). **بیانات در دیدار اқشار مختلف بانوان**، مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^(ع). بازیابی شده از پایگاه اطلاع‌رسانی [https://fari.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)
- افروغ، محسن و باغستانی، سعید (۱۴۰۲). ارائه الگوی جایگاه زن در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، **پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان**، ۵(۲): ۱۷-۳۱.
- اتاق بازرگانی ایران (۱۴۰۳). **گزارش عملکرد صادرات صنایع دستی و نقش کارآفرینان زن**، تهران: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲). **حکمت و فقه حکمرانی**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سلیمی، ناهید (۱۴۰۱). الگوی مفهومی مشارکت بدنه اجتماعی زنان در فرایند خط‌مشی‌گذاری حوزه زنان و خانواده، **زن در توسعه و سیاست**، ۲۱(۲): ۵۱۸-۴۸۱.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۴۱۱ق). **السيرة النبویه**، جلد ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- امین، سیده نصرت (بانو امین) (۱۳۷۵). **مخزن العرفان در تفسیر قرآن**، جلد ۱۰، تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.
- انسانی، محمد (۱۳۹۰). جایگاه زن در نظام آفرینش از دیدگاه قرآن، **فصلنامه مطالعات قرآنی**، ۱۲(۳): ۶۸-۴۵.
- بختیار، لاله (۱۳۹۹). **خواست خداوند محقق می‌شود**، ترجمه بهنام رشیدی، تهران: ماهریس.
- بنیاد شهید و امور ایثارگران (۱۴۰۰). **نقش زنان در پشتیبانی از دفاع مقدس**، تهران: بنیاد شهید.
- پیروزمند، علیرضا و صادقی، شیده (۱۴۰۲). **حجاب و تکامل اجتماعی**، تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- جهانگیری، علی؛ رضایی، محمد و کریمی، سارا (۱۴۰۰). **حکمرانی و مشارکت اجتماعی: چارچوبی تحلیلی برای تعامل دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). **تفسیر تسنیم**، قم: اسراء.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). **توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران**، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- زارعی، محمود (۱۴۰۳). **کتاب کار باید تشکیلاتی باشد (تشکل و کار تشکیلاتی از دیدگاه مقام معظم رهبری)**، تهران: انتشارات شهید کاظمی.

- کریمی‌پور، داود (۱۴۰۲). حکمرانی متعالی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ رهیافت انتقادی به الگوی معاصر، حکمرانی متعالی، ۳(۱): ۱۲۲-۱۰۱.
- زارعی، بهادر؛ احمدی، سید عباس و عابدی درچه، محسن (۱۴۰۰). الگوی حکمرانی متعالی برای ارتقای اقتدار ملی در حکمرانی‌های اسلامی، حکمرانی متعالی، ۲۶(۱): ۱۳۴-۱۰۷.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۸). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق). تاریخ الرسل و الملوک، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فوران، جان (۱۳۷۸). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، جلد ۸، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کراییندورف، کلاوس (۱۳۸۹). تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- مجیدی، محسن (۱۴۰۲). جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب، حکمرانی متعالی، ۴(۲): ۴۸-۲۵.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۴). گزارش سالانه مشارکت اقتصادی و مدیریتی زنان در ایران، تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲). گزارش مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸). گزارش تحلیلی عملکرد برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (از برنامه اول تا ششم)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- مرینسی، فاطمه (۱۳۸۰). زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش، برداشتی نوین از حقوق زن در اسلام، ترجمه ملیحه مغازه‌ای، تهران: نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۴۰۳). گزارش عملکرد تعاونی‌های روستایی با تأکید بر مشارکت زنان، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- وزارت کشور (۱۴۰۴). گزارش عملکرد شوراهای اسلامی شهر و روستا با تأکید بر مشارکت زنان، تهران: معاونت امور مجلس و شوراهای.

صدر، بنت‌الهدی (۱۳۸۰). زن و نقش اجتماعی او، ترجمه محمدعلی نوری، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

روزنامه فرهیختگان (۱۴۰۳). سهم زنان در هیئت مدیره شرکت‌های بزرگ، شماره ۱۲۳۴، ص ۵.
روزنامه شهرآرا (۱۴۰۴). سهم ۱۲ درصدی زنان در مدیرعاملی شرکت‌های دانش‌بنیان کشور. بازیابی شده از <https://shahraranews.ir>

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

یوسفی، احمد (۱۳۹۵). نقش زن در جامعه از منظر قرآن و سنت. پژوهشنامه علوم قرآن و حدیث، ۸(۲): ۱۱۲ - ۱۳۵.

الگوی برای حکمرانی اسلامی در عصر حاضر (بر اساس بیانات تفسیری مقام معظم رهبری بر نهج‌البلاغه)، (بی‌تا)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

References

- Hassan, M. A., & Omar, N. (2023). Matching leadership qualities of male and female leaders from the Qur'anic perspective: An exegetical analysis. *Journal of Islamic Studies*, 34(2), 112-135.
- Rahman, F., & Zainuddin, M. (2021). A Study of Women's Competence for the Incumbency from the View of the Noble Qur'an. *International Journal of Islamic Thought*, 19(1), 45-62.
- Ahmad, S., & Ismail, R. (2022). Study of Leadership Qualities of Women in the Qur'an: Surah Al-Naml as a Model. *Malindo Journal*, 8(3), 78-95.
- Nasruddin, M. A., Abubakar, A., & Sohrah, S. (2026). Rekonstruksi makna qiwamah dalam QS An-Nisā' [4]:34: Analisis semantik Qur'ani dan pendekatan sosio-historis. *El-Maqra': Tafsir, Hadis dan Teologi*, 6(1), 112-124.
- Masruroh, F. L., Nurilhilmah, N., Rojihisawal, F., Mutamimah, M., & Solahuddin, A. (2025). The Quran on patriarchy: A study of the concept of qiwamah in Surah Al-Nisa' (4): 34. *Indonesian Journal of Gender Studies*, 5(2), 1-20.

سایت‌ها

خبرگزاری ایلنا (۱۴۰۴/۰۸/۱۴). بهروزآذر: ۶۰ درصد ورودی دانشگاه‌ها زنان هستند، اما فقط ۱۴ درصدشان در فعالیت‌های اقتصادی حضور دارند. بازیابی شده از:

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1709988>

خبرگزاری ایلنا (۱۴۰۵/۰۲/۰۳). محکومیت دو عنصر همکار دشمن در سمنان به ۲۶ و ۲۷ سال حبس. بازیابی شده از:

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1789428>

خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۵/۰۳/۲۶). سخنگوی قوه قضاییه: رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی با قدرت و بدون مداخلات ادامه دارد. بازیابی شده از:

<https://irna.ir/xjXzcF>

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

